

ژورنال

شماره ۹۸۳

۱۰ مارس ۲۰۲۵ - ۲۰ اسفند ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: سیاوش آذری

در این شماره ژورنال:

خامنه‌ای در میان دو جام زهر

محسن ابراهیمی

حکومت اشرار و خودکشی ابول کور کور

سیما بهاری

بی‌هویت و بی‌شناسنامه کردن کودکان

سیامک بهاری

وقتی پول "دبش" از اسپانیا و دبی سر در آورد!

سینا پدرام

بحران در مذاکره و بحران در حزب‌الله لبنان

کیوان جاوید

خامنه‌ای در میان دو جام زهر

محسن ابراهیمی

ترامپ ادعا می‌کند در نامه‌ای به خامنه‌ای دوراه در رابطه با برنامه هسته‌ای در مقابل او گذاشته است: مذاکره و توافق یا حمله نظامی! خامنه‌ای هم دیروز در جمع سرانی از حکومت گفت ”مذاکره آنها برای حل مسائل نیست. برای تحکم است. در باره امکانات دفاعی کشور، توانایی‌های بین‌المللی کشور، اون کار را نکنید، فلان کس را نبینید، فلان جا نروید، فلان چیز را تولید نکنید، موشکتان بردش از فلان قدر بیشتر نباشد، مگر کی می‌تواند اینها را قبول کند؟“

خامنه‌ای در ماه‌های گذشته بارها پشتک‌وارو زده است. قبلاً حکم داده بود که ”نه جنگ می‌شود، نه

مذاکره می‌کنیم.“ بعداً جفت پزشکیان و ظریف را از پستوی اصلاح‌طلبان بیرون کشید که می‌توانند پای “معامله” بروند؛ اما باید “مراقب” باشند. یکباره معلوم شد مذاکره “هوشمندانه، عاقلانه، شرافتمندانه” نیست! سخنان دیروز او این بار یک پشتک‌واروی مظلوم‌نمایانه بود. “کی می‌تواند اینها را قبول کند” یعنی اگر جام زهر پیشنهادی ترامپ خیلی کشنده نباشد می‌توان قبول کرد! سخنان نماینده خامنه‌ای در سازمان ملل هم همین فضا را داشت: “اگر هدف از مذاکرات، بررسی نگرانی‌ها در باره هر گونه احتمال نظامی سازی برنامه هسته‌ای ایران باشد، چنین گفتگوهای ممکن است مورد بررسی قرار گیرد.”

مسئله این است که توافق با شرایط ترامپ یعنی دست‌کشیدن از رؤیای اتمی شدن، دست‌شستن از

برنامه موشکی و کنار گذاشتن فکر بازسازی پیکر درهم شکسته محور مقاومت اسلامی. حتی لاوورف به نمایندگی از پوتین در سفر به تهران صریحاً گفت که از جمهوری اسلامی انتظار دارند امتیازهای جدی به آمریکا بدهد از جمله در رابطه با برنامه های موشکی و حضور منطقه ای. این یعنی تسلیم حقارت بار و فراموش کردن تقلا برای تبدیل شدن به بازیگر اسلامی قدرتمند در منطقه که در تصور خامنه ای می تواند کمکی برای بقای سیاسی حکومت باشد.

اگر خامنه ای تسلیم نشود عملاً زمینه را برای گزینه دوم؛ یعنی اقدام نظامی فراهم می کند. اقدامی که ابعاد و آثارش قابل پیش بینی نیست. اما باید تلاش کرد و امیدوار بود قبل از اینکه اوضاع از کنترل خارج شود، مردم جان به لب رسیده که در کف خیابان با صدای

بلند اعلام کرده‌اند "دشمن ما همین جاست"، جام
زهر سقوط را به حلقوم خامنه‌ای و نظامش بریزند.

حکومت اشرار و خودکشی ابول کور کور

سیما بهاری

”ابول کور کور، معترض اهل ایذه شنبه ۱۸ اسفند پس از محاصره محل اقامتش، توسط مأموران جمهوری اسلامی در پخش زنده اینستاگرام با شلیک گلوله خودکشی کرد.“

سال گذشته جمهوری اسلامی بیش از ۱۰۰۰ نفر را اعدام کرد. جمهوری اسلامی مخالفان خود را اشرار، جاسوس بیگانه، بی شرف، و... مورد خطاب قرار می دهد. جمهوری اسلامی مهدی یراحی، همان کسی که از انقلاب زن زندگی آزادی دفاع کرد و گفت رانت جنسیتی نمی پذیرد را شلاق زد. مأموران

جمهوری اسلامی به کارگران شهرداری تکاب شلیک
و چهار نفر را زخمی کردند.

اینها قطره‌ای از دریای بیکران جنایات حکومت است.
هر گونه وحشیگری که در باورها نمی‌گنجد را انجام
می‌دهند و با وقاحت جلو دوربین می‌نشینند و اعتراف
می‌کنند. رفیق دوست بی‌شرمانه از رهبری ترورهای
حکومتش می‌گوید و با پرویی تمام از قتل فریدون
فرخزاد حرف می‌زند و می‌گوید عملیات کشتن آن
قرتی را من رهبری کردم. همانطور که روزنامه‌های
حکومتی در مورد خودکشی ابول کورکور نوشتند:
”سرکردهٔ اشرار، دست به خودکشی زد.“ درحالی‌که
در پخش مستقیم اینستاگرام خیلی‌ها صدای کورکور
را شنیدند که فریاد می‌زند ما تسلیم می‌شویم.
می‌گویند اشرار و می‌گویند خودکشی تا توجیهی

برای جنایات بی‌شمارشان درست کنند.

اساس این حکومت مرگ است. با زندگی سر جنگ دارند. هر جا که قدم می‌گذارند نیستی و تباهی می‌آورند. طی یک سال روزانه تقریباً سه نفر را اعدام کرده‌اند. یکی را به خاطر مواد مخدر، دیگری را به عنوان قصاص و برخی را به جرم عقیده‌ای غیر از خودشان. فقط برای خاموش کردن حیات دست و دلباز هستند.

جامعه در همهٔ عرصه‌ها پشیمان می‌زند. فریاد می‌زنند ماه رمضان است، برای نوروز جشن نگیرید. مردم در هر کوی و برزن و با هر نوایی رقص و پایکوبی می‌کنند. روز زن را با قدرت و در جمع‌های بزرگ و کوچک جشن می‌گیرند. زنان و مردان جسورانه چشم

در چشم مزدوران از برابری و آزادی و از شکستن دیوار آپارتاید جنسیتی می گویند.

یک حکومت درمانده عاجز، یک حکومت بی اعتبار، یک حکومت منفور، در کنج دیوار گیر افتاده و به هر ترفندی آویزان می شود، مخالفین خود را شلاق می زند، شرور و قرتی و بی شرف خطاب می کند، در تنگنا قرار می دهند و می گویند خودکشی کردند، اما همه آنها باران اعتراض می شود و بر پیکر نحسشان می بارد. خودکشی ابول کور کور باید صف اعتراضمان را فشرده تر کند.

بی‌هویت و بی‌شناسنامه کردن کودکان

سیامک بهاری

”قانون اعطای شناسنامه به فرزندان دارای مادر ایرانی اجرا نمی‌شود!“

طبق قوانین ”مدنی“ جمهوری اسلامی، تابعیت بر اساس خون **Rule of Blood** است. کودک تابع خون پدر است. ”نسب و مشروعیت طفل در حقوق اسلامی بر مبنای نسب پدری استوار است“ بنا بر بند ۲ از ماده ۹۷۶ قانون مدنی: ”کسانی که پدر آنها ایرانی است تبعه ایران محسوب می‌گردند!“ در نتیجه اگر کودکی از مادر ایرانی و پدر غیرایرانی تولد یابد، تابعیت او شامل بند

۲ نمی‌شود، حتی اگر در کشور ایران متولد شده باشد.

این اساس و پایه بی‌هویت و بی‌شناسنامه کردن میلیون‌ها کودک از مهاجرینی است که بیش از چهار دهه است در ایران بدون اسناد هویتی معتبر از درس و تحصیل و همه حقوق اجتماعی جاری کشور محروم شده‌اند. در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۸۹ تفاسیر مختلف از دیگر بندهای ماده ۹۷۶، روزه‌ای بود تا برخی کودکان با احراز تابعیت پدر، دارای شناسنامه ایرانی بشوند. اما با تأسیس سازمان ملی مهاجرت در سال ۱۴۰۱ و تصویب ماده ۴۱ که تصریح می‌کند: "قانون اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی از زمان لازم‌الاجرا شدن

این قانون به استثنای افرادی که در سامانه مذکور ثبت نام کرده‌اند لغو می‌گردد. صدور شناسنامه برای کودکان اتباع حاصل ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی ممنوع شد.

مرکز پژوهش‌های مجلس اسلامی تعداد کودکان بی‌شناسنامه با پیشینه غیرایرانی را بیش از یک میلیون نفر می‌داند. این کودکان نه اوراق هویتی کشوری که پدر تابع آن است را دارند و نه شناسنامه کشوری که در آن متولد شده‌اند. جمع قابل توجهی از کودکان کار و خیابان حاصل این رفتار خشن اسلامی با حقوق بدیهی کودکان با پیشینه غیرایرانی است.

عقب‌مانده‌ترین قوانین تعیین تابعیت، "تابعیت

بر اساس خون است؛ شاخص تفکری قبیله‌ای، ضدبشری، ضد زن و متحجر حکومت اسلامی، نفرت‌پراکنی و بیگانگانگاری نهادینه، نسبت به ابتدایی‌ترین و بدیهی‌ترین حقوق پایه‌ای هر انسان برای داشتن هویت رسمی است.

حکومت اسلامی را باید به پذیرش حقوق پایه‌ای کودکان و احراز تابعیت بدون قید و شرط آنان ملزم کرد. نهادهای مدافع حقوق کودکان در مقابل این کودک‌ستیزی نفرت‌انگیز ایستاده‌اند و تأکید می‌کنند مادام که حکومت با زیر پا گذاشتن بدیهی‌ترین حقوق پایه‌ای در به رسمیت‌شناسی هویت کودکان قوانین وضع می‌کند نمی‌تواند در هیچ نهاد بین‌المللی عضو باشد.

وقتی پول "دبش" از اسپانیا و دبی سر در آورد!

سینا پدرام

در شرایطی که کارگران و مردم ایران با مشکلات اقتصادی و تورم شدید روبه‌رو هستند، پرونده "چای دبش" ابعاد گسترده فساد سیستماتیک جمهوری اسلامی را نشان می‌دهد. این پرونده به تخلفات اقتصادی اکبر رحیمی در آباد و شرکت دبش پرداخته که ارزشهای دریافتی خود را به خرید املاک در دبی و اسپانیا اختصاص داده‌اند.

متهمان، از روابط بانکی برای دریافت تسهیلات ریالی و ارز با نرخ پایین بهره بردند و بخشی از این ارز را در امارات به نرخ آزاد فروخته و بدهی‌های

بانکی خود را تسویه کردند. همچنین، این شرکت‌ها از طریق ثبت سفارش‌های جعلی و دست‌کاری تاریخ‌ها، "قوانین" را دور زدند. رحیمی درآباد به اخلال در نظام اقتصادی کشور متهم است و به ۶۶ سال حبس و جزای نقدی ۲۴۴ هزار میلیارد تومان محکوم شده است. وزیران سابق صنعت و کشاورزی نیز به دلیل معاونت در این تخلفات به زندان محکوم شدند.

اما همه در ایران می‌دانند که وضعیت این "محکومان" همیشه با عفو یا آزادی مشروط همراه بوده است. از سوی دیگر، این نوع "سناریوهای مبارزه با فساد مالی" چنان نخ‌نما هستند که هیچ قصد و نیتی جز از لاپوشانی دزدی‌های "دانه‌درشت‌ها" و نزدیکان

سپاه و بیت رهبری ندارند. جالب این است، غالباً، اکثر متهمان اصلی یا از ایران گریخته‌اند و یا بعد از چندی با "عفو رهبری" آزاد شده‌اند.

پرونده‌هایی مانند "چای دبش" تنها یکی از صدها نمونه از فساد نهادینه‌شده در جمهوری اسلامی است که ریشه‌های آن نه در افراد، بلکه در ساختاری قرار دارد که خود، بسترساز اختلاس و غارت دسترنج کارگران و مردم ایران است. تاریخ ایران در صدسال گذشته، تاریخ چپاول و غارت مردم و کارگران توسط سرمایه‌داری سلطنتی و اسلامی بوده است و تا زمانی که کنترل اداره کشور از دست این طبقات سرمایه‌دار خارج نشود، پاشنه در بر همین منوال خواهد چرخید.

مبارزه با فساد و فقر در ایران باید در صدر لیست مبارزه متحدانه مردم قرار بگیرد. رهبران جنبش‌های مختلف و کارگران باید مردم را بر حول این شعار اساسی سازمان داده و رژیم اسلامی را مورد تعرض قرار دهند. دستگاه‌های قضایی این رژیم، "دبش‌تر" از هر ارگان دولتی در این منجلاب فساد غرق است و پرونده فسادشان قطور از این "تمایش‌ها" است.

بحران در مذاکره و بحران در حزب‌الله لبنان

کیوان جاوید

قالیباف رئیس مجلس اسلامی روز یکشنبه ۱۹ اسفند گفت که سخنان ترامپ "مذاکره‌نمایی" با هدف "خلع سلاح" جمهوری اسلامی است. او کلمه به کلمه حرف‌خامنه‌ای را تکرار کرده که هدف از مذاکره آمریکا با جمهوری اسلامی محدود به بحران هسته‌ای نخواهد بود و کل سیاست منطقه‌ای و ظرفیت سلاح‌های بالستیک رژیم مدنظر است.

جمهوری اسلامی این را درست تشخیص داده است. خامنه‌ای و کل نظام اسلامی در بدمخمصه‌ای گیرکرده است. جمهوری اسلامی هر چه ضعیف‌تر

شود دامنه توقعات دولت‌های غربی و آمریکا برای عقب راندن این حکومت بیشتر خواهد شد. رژیم اسلامی فقط به خاطر گیرکردن در باتلاق اقتصادی نیست که به چنین درماندگی ای افتاده است. هم کل محور مقاومتش شکست‌های سنگینی متحمل شده و در حال زمین گیر شدن کامل است و هم درگیر بزرگ‌ترین جنگ با مردم ایران.

از حزب‌الله شروع کنیم. حزب‌الله به عنوان بزرگ‌ترین نیروی نظامی غیردولتی دنیا شناخته شده است و گفته می‌شود ذخایر نظامی این نیروی تروریستِ وابسته به جمهوری اسلامی چندین برابر ارتش لبنان است. این نیروی نیابتی برای خودش دولتی بود و تأثیر فراوانی در تصمیم‌گیری‌های دولت لبنان

داشت. اختلاف نظر در صفوف حزب الله بر سر معاون
نعیم قاسم که حالا جانشین حسن نصرالله است
به شدت حاد شده است. شمار زیادی از کادرهای
حزب الله، با گزینه ابراهیم امین السید مخالفت کرده
و او را متهم کرده اند که با شدت گرفتن درگیری ها
به عراق گریخته است.

کارت های بازی جمهوری اسلامی در منطقه تا حدی
زیادی سوخته و باقی مانده آنها هم رمقی برایشان
نمانده است. این وضعیت یک ارتش شکست خورده
است. در تاریخ سراغ نداریم که با ارتش شکست خورده
مذاکره کنند. ارتش شکست خورده تسلیم نامه را
امضا می کند و جمهوری اسلامی برای امضا این
تسلیم نامه امروز و فردا می کند.

رژیم شانس داخلی هم ندارد که بتواند با قدرت
بزند و مرعوب کند و بماند و در سایه سفت کردن
پایه‌های حکومت در داخل کارت برنده‌ای روی میز
مذاکره رو کند. هر چه وضعیت داخلی حکومت
وخیم‌تر شود اوضاع منطقه‌ای حکومت نیز زارتر
می‌شود. در این گیردار برای اینکه جامعه در بهترین
حالت ممکن به آرامش برسد، باید در تنور انقلاب
بیشتر دمید و رژیم را سرنگون کرد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

<http://journalfarsi.com>

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال